یک عضو اتاق بازرگانی با استقبال از رفع قانون «ممنوعیت واردات کالاهای خارجی دارای مشابه ایرانی»:

وضع تعرفه به مراتب سودمندتر از ممنوعیت واردات است

رامتین موثق

سال‌ها بود که دولت سیاست ممنوعیت وارد کالاهای خارجی دارای مشابه ایرانی را برای حمایت از تولید داخل اتخاذ کرد.

به گفته بسیاری از کارشناسان این قانون نتوانست حمایت چندانی از تولیدکنندگان داخلی به عمل آورد و فقط به ایجاد انحصار در بعضی از حوزه‌ها کمک کرد! بارزترین نمونه تاثیر این قانون در بازار لوازم خانگی بود که چندین سال است واردات این کالاها ممنوع اعلام شده است و ادعا می‌شود تولیدکنندگان داخلی این کالا را با بهترین کیفیت عرضه می‌کنند در صورتی که به گفته بسیاری از مردم، لوازم خانگی ایرانی در برخی اقلام از نظر کیفیت با لوازم خانگی خارجی قابل رقابت نیست و کیفیت مطلوبی ندارد. همچنین در این بازار انحصاری، تولیدکنندگان پرشماری به چشم می‌خورند که برخی خروجی خاصی هم ندارند و فقط برای بهره‌مندی از برخی رانت‌ها وارد عرصه شده‌اند. حتی ۲ سال پیش سفیر کره جنوبی، که کشورش از پیشتازان لوازم خانگی در جهان است، از تعدد شرکت‌های تولیدکننده این صنعت در ایران ابراز شگفتی می‌کرد!

به هر صورت به نظر می‌رسد عمر این قانون هم به سر آمده باشد و طبق اعلام معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی به معاونت صنایع عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ ممنوعیت واردات کالاهای خارجی دارای مشابه ایرانی رفع شد. در این نامه پیشنهاد شده است که به جای اعمال هرگونه ممنوعیت در راستای حمایت از تولید داخلی در صورت اقتضا با رعایت الزامات قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار به ویژه حفظ حقوق مکتسبه واردکنندگان از ابزار تعرفه یا ضوابط فنی در مدیریت واردات کالای خارجی دارای مشابه ایرانی استفاده شود.

تداخل واردات با منافع تولیدکنندگان داخلی

اما ایجاد رانت و انحصار برای تولیدکنندگان داخل تنها یک بعد از واردات در کشور است زیرا در همین حین که برخی صنایع از نبود واردات منتفع می‌شدند، بسیاری از صنایع دیگر از واردات افسار گسیخته گله‌مند بودند. با بررسی دقیق‌تر این اوضاع می‌توان دریافت که سیاست‌گذار عملا برای کالاهایی که کیفیت کمتری نسبت به نمونه خارجی دارند، انحصار ایجاد کرده بود اما کالاهای دیگر را، که حتی توان رقابت جهانی دارند، قربانی سیاست‌های وارداتی می‌کرد.

یک نمونه مشخص این روند برنج است. بسیاری از شالیکاران و فعالان حوزه بارها اعلام کرده‌اند که هنگام برداشت محصول، واردات برنج نیز انجام شده است؛ یعنی در بدترین زمان موجود زیرا باعث می‌شود بسیاری از برنج‌های ایرانی روی دست شالی‌کاران بماند. هرچند که دولت واردات برنج را در فصل برداشت ممنوع اعلام کرده اما به هرحال تاثیر خود را بر این قوت غالب ایرانی‌ها گذاشته است.

دیگر صنعتی که مدام از واردات گلایه دارد، نساجی است. چندی پیش، نایب‌رئیس انجمن صنایع نساجی ایران با بیان این که صنعت نساجی قربانی نبود برنامه‌ریزی و واردات افسار گسیخته است، گفته بود: ۳۰ درصد نیاز پوشاک کشور از طریق قاچاق تامین می شود. شاهین کاظمی در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به روند فزاینده واردات پارچه به کشور، اظهار کرده بود: در سال‌های اخیر، واردات پارچه به طرز چشم‌گیری افزایش یافته است؛ به‌طوری که از رقم ۳۲۳ میلیون دلار در سال ۱۳۹۹ به ۸۲۴ میلیون دلار در سال ۱۴۰۲ رسیده است. در حالی که بسیاری از تشکل‌های بخش خصوصی و نهادهای مرتبط بر لزوم کنترل این واردات تأکید دارند، هنوز اقدامی جدی در این زمینه صورت نگرفته است. او تفاوت نرخ ارز رسمی و آزاد را یکی از عوامل اصلی افزایش واردات برشمرده و تاکید کرده بود: بخش بزرگی از این واردات صرفاً با هدف سودجویی ارزی انجام می‌شود و هیچ نفعی برای مصرف‌کننده واقعی ندارد.

در این میان باید حق را به کدام داد؟ آیا برای حمایت از مصرف‌کننده و تولید داخل باید چشم از رقابت و واردات پوشید یا اینکه از واردات و تداخل آن با تولید داخل ممانعت کرد؟

نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»: وقتی تاثیر قانون ممنوعیت واردات کالاهای خارجی دارای مشابه داخلی را مشاهده کنیم، می‌بینیم که کیفیت بسیاری از کالاهای تولید داخل، متاسفانه به دلیل اینکه رقابتی وجود نداشت، مطلوب نبوده است. به عبارت دیگر این قانون برای خیلی از تولیدکنندگان مانند بالشت گرمی زیر سرشان بوده و به همین دلیل بسیاری روی کیفیت کار نکرده‌اند

ممنوعیت واردات به ضرر مصرف‌کننده بود

نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت اتاق بازرگانی تهران، در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»، تاثیر قانون ممنوعیت واردات کالای خارجی مشابه داخلی را بر تولید داخلی منفی ارزیابی کرد.

محمدرضا غفراللهی درباره تاثیر منفی این قانون بر تولید داخل اظهار کرد: وقتی تاثیر این قانون را مشاهده کنیم، می‌بینیم که کیفیت خیلی از کالاهای تولید داخل، متاسفانه به دلیل اینکه رقابتی وجود نداشت، مطلوب نبوده است زیرا این قانون برای خیلی از تولیدکنندگان مانند بالشت گرمی زیر سرشان بوده و به همین دلیل بسیاری روی کیفیت کار نکرده‌اند.

این فعال اقتصادی با بیان اینکه این قانون فقط و فقط مصرف‌کننده را متضرر کرده است، تصریح کرد: به اعتقاد من، این قانون فقط باعث گرانتر شدن چه کالای داخلی و چه کالای وارداتی شده است و حتی نتوانسته جلوی ورود کالای خارجی را بگیرد زیرا با قوانین این چنینی، کالاهای خارجی از مسیرهای رسمی وارد نمی‌شوند اما از طریق قاچاق وارد کشور می‌شوند.

دستکاری در اقتصاد، چه در نرخ ارز، چه در ممنوعیت و چه در تعرفه‌های بی‌جا، همه باعث آشفتگی و به‌هم‌ریختگی می‌شود و در اقتصاد بزرگی مانند ایران با ۸۵ میلیون نفر جمعیت، سیاست‌های کنترلی فقط زمینه‌ساز ایجاد فساد برای افراد سودجو و نارضایتی مردم است و هیچ خروجی دیگری ندارد

تعرفه باید معقول باشد

غفراللهی پیشنهاد معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری را مبنی بر جایگزینی استفاده از تعرفه و ضوابط فنی به جای ممنوعیت واردات برای حمایت از تولید داخل، درست ارزیابی و تاکید کرد که مصرف‌کننده باید در خیلی از کالاها حق انتخاب داشته باشد.

او عنوان کرد: این کار هم باید با تعرفه‌های معقولی انجام شود. به دلیل شرایط موجود و اینکه به دلیل وجود مسائل تحریم و...، هزینه‌های اضافی ناشی از این مسائل به تولیدکننده تحمیل می‌شود، دولت می‌خواهد از این افراد با تعرفه حمایت کند اما در عین حال باید این تعرفه‌ها معقول باشد و مانند خودرو نباشد که تعرفه‌ای ۱۰۰ درصدی بر آن اعمال شده است. نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت اتاق بازرگانی تهران، تصریح کرد: وضع تعرفه بالا باعث می‌شود که فقط مصرف‌کننده متضرر بشود و هیچ نفعی برای تولیدکننده ندارد و با تعرفه‌های بالا عملا باز یک انحصار برای تولیدکننده داخلی ایجاد می‌شود.

محمدرضا غفراللهی: در واردات وضع تعرفه باید معقول باشد اما حتی اگر سیاست‌گذار بخواهد به دلایلی از تعرفه‌های بالا استفاده کند، باید امکان کاهش پلکانی آن هم وجود داشته باشد؛ یعنی اگر در ابتدا تعرفه ۵۰ درصدی وضع شد، باید این امکان وجود داشته باشد که در طول سالیان بعد این تعرفه به ۱۰ تا ۱۵ درصد برسد. در مجموع وضع تعرفه بهتر از ممنوعیت است و مصرف‌کننده نفع بیشتری از این موضوع می‌برد

به اعتقاد او، حتی اگر سیاست‌گذار بخواهد به دلایلی از تعرفه‌های بالا استفاده کند، باید امکان کاهش پلکانی آن هم وجود داشته باشد؛ یعنی اگر در ابتدا تعرفه ۵۰ درصدی وضع شد، باید این امکان وجود داشته باشد که در طول سالیان بعد این تعرفه به ۱۰ تا ۱۵ درصد برسد. در مجموع حتی این شرایط هم بهتر از ممنوعیت است و مصرف‌کننده نفع بیشتری از این موضوع می‌برد.

دست‌کاری‌های تحمیلی باعث به‌هم‌ریختگی اقتصاد می‌شود

غفراللهی در پاسخ به اینکه «با توجه به سابقه بی‌برنامگی در واردات و تداخل آن با تولید داخل، مانند واردات برنج هنگام برداشت، آیا رفع ممنوعیت واردات کالای مشابه تولید داخل نمی‌تواند این بی‌برنامگی را تشدید کند؟»، بیان کرد که متاسفانه خیلی از شاخص‌های ما غیرواقعی است و مشکل اصلی در اینجاست.

او تاکید کرد: وقتی شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ ارز را غیرواقعی و به عبارت دیگر، تحمیلی تنظیم می‌کنیم، نظم کار به هم می‌خورد.

این عضو اتاق بازرگانی توضیح داد: یعنی اینکه برنج را با نرخ ارز پایین وارد می‌کنیم و می‌گوییم تولیدکننده داخل متضرر شده است در صورتی که اگر هر دو، یعنی چه صادرات برنج ایرانی با نرخ ارز معقول باشد و چه برنج خارجی با نرخ ارز درست وارد شود؛ عرضه و تقاضا را بازار تنظیم خواهد کرد.

غفراللهی افزود: اگر برنج ایرانی کیفیت بالاتر و شرایط بهتری داشته باشد و اگر بازاری هم برایش وجود داشته باشد، می‌تواند صادر شود و از آن طرف، مصرف‌کننده ایرانی، اگر برنج داخلی کیفیت بهتر اما قیمت بالاتری داشته باشد، حق انتخاب دارد که برنج هندی انتخاب کند یا برنج ایرانی.

او درباره حمایت از مصرف‌کننده اظهار کرد: سیاست‌گذار اگر بخواهد در راستای حمایت از مردم در کالاهایی مانند برنج، که مصرف عامه مردم است، سیاست‌هایی اتخاذ کند، می‌تواند از روش‌هایی چون کالابرگ یا یارانه مستقیم و ... بهره گیرد.

نایب‌رئیس کمیسیون تسهیل و توسعه تجارت اتاق بازرگانی تهران، تصریح کرد: دستکاری در اقتصاد، چه در نرخ ارز، چه در ممنوعیت و چه در تعرفه‌های بی‌جا، همه باعث آشفتگی و به‌هم‌ریختگی می‌شود. او در پایان تأکید کرد: در اقتصاد بزرگی مانند ایران با ۸۵ میلیون نفر جمعیت، سیاست‌های کنترلی فقط زمینه‌ساز ایجاد فساد برای افراد سودجو و نارضایتی مردم است و هیچ خروجی دیگری ندارد.

خبر اقتصادی

وزیر نیرو خبر داد:

واردات ۵۰۰ مگاوات برق از کشورهای همسایه

وزیر نیرو با بیان این که مصرف برق کشور در اردیبهشت ماه سال گذشته ۴۶ هزار مگاوات بوده است، گفت: در سال جاری تقاضای مصرف برق در همین تاریخ به ۵۷ هزار مگاوات رسیده که نسبت به سال گذشته افزایشی ۱۱ هزار مگاواتی را نشان می‌دهد. به ایلنا، عباس علی‌آبادی در جلسه هم‌اندیشی با مجمع نمایندگان استان تهران، همچنین با اشاره به واردات برق از کشورهای همسایه بیان کرد: در همین بازه زمانی سال گذشته، ۳۰۰ مگاوات واردات برق داشتیم که این رقم در سال جاری به ۵۰۰ مگاوات افزایش یافته است.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی:

بدون فشارافزایی، ایران سهم گاز را به قطر واگذار خواهد کرد

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی گفت: در صورتی که فشار افزایی در میدان گازی پارس جنوبی انجام نشود ایران عملا سهم گاز خود را به قطر واگذار خواهد کرد. آرش نجفی در گفت‌وگو با مهر، با اشاره به اینکه در صورتی که فشارافزایی صورت نگیرد ناچار به واردات گاز می‌شویم، خاطرنشان کرد: ما چرا باید واردات گاز انجام دهیم آن هم با قیمت‌های گران و با قیمت‌های پایین در سطح جامعه توزیع کنیم در این شرایط باید کاهش مصرف صورت بگیرد و فشارافزایی تسریع شود نه اینکه خود را وابسته به واردات گاز با قیمت‌های گزاف کنیم؛ کدام خرد اقتصادی چنین حرفی را به ما می‌زند.

در فروردین امسال رقم خورد؛

۸۵ درصد از ارزش بازار سهام در دست ۱۰ صنعت بزرگ

۸۵ درصد از ارزش بازار سهام در بورس تهران و فرابورس، در فروردین امسال، در اختیار ۱۰ صنعت بزرگ بازار بوده است. به گزارش تسنیم، از میان صنایع فعال در بازار سرمایه، محصولات شیمیایی با ۲۷ درصد ارزش بازار ۳۱،۴۰۷،۲۸۵ میلیارد ریال، بیش‌ترین ارزش بازار سهام بورس تهران و فرابورس را در اولین ماه امسال به خود اختصاص داده است. پس از این صنعت، فلزات اساسی با ۱۷ درصد ارزش بازار ۲۰،۳۷۹،۰۱۱ میلیارد ریال در جایگاه دوم قرار دارد. افزون بر این، بانک‌ها و موسسات اعتباری با ۸ درصد ارزش بازار ۹،۳۵۷،۷۸۷ میلیارد ریال و شرکت‌های چند رشته‌ای صنعتی با ۷،۵ درصد ارزش بازار ۸،۷۵۱،۹۶۵ میلیارد ریال به ترتیب در جایگاه سوم و چهارم قرار دارند.

عضو کمیسیون صنایع مجلس:

افزایش ۳.۵ برابری قیمت بسته‌های اینترنت منطقی نیست

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفت: افزایش نرخ بسته‌های بلندمدت از ۲۰۰۰ تومان به بیش از ۷۰۰۰ تومان نشانگر گرانی ۳.۵ برابری قیمت این بسته‌هاست و این امر به هیچ‌وجه منطقی نیست. به گزارش ایلنا، مصطفی پوردهقان افزود: ما اعتراض مکتوب خود را نسبت به این افزایش بی‌رویه قیمت به آقای وزیر و عزیزانی که مصوبه افزایش قیمت را به اپراتورها ارائه کردند اعلام کرده‌ایم.

تولید رانا متوقف شد!

از مجموع کل خودروهای سواری تولیدی در کشور در یک ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۴، ۴۴ هزار و ۳۱۵ دستگاه خودروی سواری (ایران خودرو و سایپا) تولید شده است. به گزارش تسنیم، رانا تولیدی در این ماه نداشته است در حالی که در فروردین ۱۴۰۳، تیراژ این محصول به ۹۶۰ دستگاه رسیده بود. هنوز اطلاع رسمی درباره توقف تولید این خودرو منتشر نشده است. همچنین تولیدهایما در فروردین ماه به هزار و ۴۰۳ دستگاه رسیده، در حالی که سال گذشته تنها ۶ دستگاه از آن تولید شده بود.

رئیس اتاق بازرگانی ایران:

مقررات غیرکارشناسی موجب رسوب کالا در بنادر شده است

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با بیان اینکه رسوب کالا در بنادر مصداق متوقف شدن سرمایه‌های ملی است، گفت: برخی مقررات که به صورت کارشناسی اعمال نمی‌شوند، باعث رسوب کالا در بنادر شده است. به گزارش ایرنا، صمدحسن‌زاده در سفر به بندرعباس و دیدار با استاندار هرمزگان، رسوب کالا در بنادر را مصداق متوقف شدن سرمایه‌های ملی دانست و اظهار کرد: همین که ترخیص مواد اولیه و ماشین آلات با معطلی انجام می‌شود، برای اقتصاد کشور خسارت بزرگی است؛ در هیچ نقطه دنیا قابل قبول نیست که کالا چندین ماه در یک بندر و گمرک رسوب کند.

بانک مرکزی:

سقف وام مسکن به ۷۸۰ میلیون تومان افزایش یافت

بر اساس اعلام بانک مسکن، سقف وام خرید، ساخت و جعاله تعمیر مسکن به ۷۸۰ میلیون تومان افزایش یافت. به گزارش اکوایران، بانک مسکن به عنوان عرضه کننده اوراق حق تقدم مسکن برای دریافت وام خرید، ساخت و جعاله تعمیر مسکن در فرابورس ایران، در نامه‌ای به فرابورس ایران سقف خرید اوراق تسه بانک مسکن را تغییر داد. از این رو فرابورس ایران از طریق اطلاعیه رسمی، محدودیت سقف خرید اوراق تسه بانک مسکن را از ۱۱۲۰ به ۱۵۶۰ ورقه تغییر داد. گفتنی است چندی پیش داوود بیگی‌نژاد، نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک، در واکنش به این افزایش وام اظهار کرده بود: این مبلغ کمتر از هشت متر مربع را پوشش می‌دهد.

تغییر ساعت کاری ادارات دولتی از شنبه

سخنگوی دولت، از تغییر ساعت کاری ادارات از شنبه خبر داد. فاطمه مهاجرانی، گفت: از شنبه، ۲۰ اردیبهشت ماه، ساعت کار ادارات و سازمان‌های دولتی از ۶ صبح الی ۱۳ خواهد بود.

گزارش

افت و خیز تغییرات GDP ایران؛ شاهدی بر بی‌ثباتی اقتصاد؛

بدون رشد پایدار نباید انتظار افزایش رفاه داشت

وقتی کشوری دارای رشد اقتصادی پایدار و با ثبات به مدت طولانی نباشد، نباید انتظار داشت رفاه مردم به شکل ملموسی افزایش پیدا کند.

به گزارش اکوایران، کارشناسان اقتصادی باور دارند وقتی اقتصاد رشد اقتصادی پایدار و ماندگاری را تجربه نکند بعید است رفاه مردم بتواند افزایش یابد. رشد اقتصادی پایدار و باثبات نیز با افزایش سرمایه‌گذاری و رشد صنعتی امکان‌پذیر است. در واقع آنچه که موجب شد تا کشورهای اروپایی و آمریکا به چنین سطحی از رفاه و آسایش دست یابند به علت انقلاب صنعتی بوده است.

آمارهای رشد اقتصادی کشور در ۶۳ سال گذشته نشان از یک نکته مهم دارد. رشد اقتصادی در ایران گاهی خیلی بالا بوده و گاهی خیلی پایین آمده است. به طور مثال در سال ۱۳۵۹ رشد اقتصادی کشور تقریبا منفی ۳۰ درصد برآورد شده در حالی که در ۱۳۶۱ به بالاتر از ۳۰ درصد رسیده است. در طی سال‌های گذشته نیز نوسانات و انحرافات رشد اقتصادی ایران نسبتا بالا بوده است. مسعود نیلی در ارائه‌ای در موسسه دانایان به این امر اشاره داشت که روند کلی رشد اقتصادی به سرمایه‌گذاری و موتور صنعتی مربوط است و نوسانات کوتاه‌مدت این متغیر صرفا به علت بالا و پایین درآمدهای نفتی است. در نتیجه تا وقتی این اندازه اقتصاد ایران به نفت وابسته است نمی‌توان انتظار رشد اقتصادی پایدار و افزایش رفاه داشت.

محاسبات این پایگاه خبری حاکی از این امر است که انحرافات یا همان واریانس رشد اقتصادی در دهه ۴۰ برابر با ۱۵،۶ بوده است. در این بازه زمانی علینقی عالیخانی که به طراح و مبتکر اصلی سیاست صنعتی در ایران مشهور است، به طور جدی به دنبال تقویت بنیان‌های صنعتی در اقتصاد ایران بوده است. با توجه به اینکه معمولا توسعه صنعتی و فناوری‌های تولید رشدی پایدارتر و ماندگارتر را در هر اقتصاد موجب می‌شوند از همین رو پایین ماندن نوسانات رشد اقتصادی در دهه ۴۰ را می‌توان به این عامل مرتبط دانست.

پس از دهه ۴۰ و با شروع دهه ۵۰، به علت قیمت بالای نفت در بازارهای جهانی انرژی، درآمدهای نفتی کشور رونق گرفت. از همین رو رشد اقتصادی ایران تا اواسط دهه ۵۰ به علت مخارج هنگفت دولت به جهت درآمد بالای نفتی افزایش شدیدی داشت. با این وجود بعد از اینکه جریانات مربوط به انقلاب اسلامی در کشور اتفاق افتاد، رشد اقتصادی کشور کاهش زیادی را تجربه کرد. بنابراین رشد اقتصادی بالا در اواسط این دهه و از طرف دیگر کاهش زیاد رشد اقتصادی در انتهای دهه ۵۰ موجب شده تا واریانس رشد اقتصادی در این دهه معادل ۲۵۳،۹ محاسبه شود که بالاترین نوسان در بیش از شش دهه اخیر بوده است. در دهه ۶۰ نیز با اینکه انحرافات رشد اقتصادی کمتر از دهه ۵۰ بوده اما همچنان نوسانات این متغیر بالا برآورد شده است. در این مدت واریانس رشد اقتصادی برابر با ۱۹۳،۴ بوده که علت اصلی این امر به جنگ تحمیلی ۸ ساله مرتبط است. به عبارت دیگر وقتی کشور از یک طرف با جنگی ناعادلانه مواجه است و از طرف دیگر درآمدهای نفتی به عنوان مهمترین عامل رشد اقتصادی نوسانات زیادی را تجربه می‌کنند نمی‌توان انتظار داشت که رشد اقتصادی باثبات باقی بماند. از همین رو نوسانات و انحرافات رشد اقتصادی از متوسط کل دهه ۶۰ فاصله زیادی داشته‌اند.

شروع دهه ۹۰ با افزایش تحریم‌های غرب علیه اقتصاد ایران همراه بود. از همین رو رشد اقتصادی کشور منفی شده و روندی نامناسب را پی گرفت. اما بعد از امضای توافق برجام در سال ۹۴ و رفع موقتی تحریم‌ها رشد اقتصادی برای مدت دو سال روندی مثبت را تجربه کرد. اما این وضعیت ادامه پیدا نکرد و بعد از خروج آمریکا از برجام مجدد رشد اقتصادی ایران منفی شده و کاهش یافت. این رفت و آمد تحریم‌ها و بالا و پایین‌های اقتصادی نااطمینانی را تشدید کرده و موجب بی ثباتی در رشد اقتصاد شد. بنابراین محاسبات اکوایران حاکی از آن است که واریانس رشد اقتصادی در دهه ۹۰ معادل ۳۸،۴ بوده است. متوسط رشد اقتصادی در این دهه نیز نزدیک به صفر بوده که از همین رو به دهه از دست رفته اقتصاد ایران مشهور است.

گزارش

از سینه‌چاکان تولید ملی تا دلالان واردات؛

خودروی ایرانی قربانی تازه بازی‌های قدرت؟

دیروز تولید ملی را مقدس می‌دانستند، امروز شمشیر واردات را برای نابودی آن کشیده‌اند. چرخش ناگهانی برخی سیاستمداران و تصمیم‌سازان از مدافعان سرسخت صنعت خودرو به مبلغان بی‌چون و چرای واردات، چیزی فراتر از یک تغییر عقیده ساده است؛ این یک پروژه‌ی سیاسی-اقتصادی برای فروپاشی بنیان‌های تولید و باز کردن درهای رانت تازه است.

به گزارش ایلنا تا همین چند سال پیش، صنعت خودرو ملی، هر چند پرایراد، اما نمادی از توان صنعتی کشور در مقابل تحریم‌ها بود. همان‌هایی که در تریبون‌های رسمی، تولید داخلی را «غرور ملی» می‌نامیدند، امروز بدون ارائه هیچ راهبرد روشنی برای رفع تحریم‌ها، تأمین ارز یا تأمین قطعات، نسخه واردات انبوه را می‌پیچند.

آیا این تغییر نگرش ناگهانی واقعاً به نفع مردم است یا منافعی در پشت پرده جابجا شده که حالا واردات، جذاب‌ترین گزینه شده است؟

واردات خودرو بدون ارز و قطعه؟ شعاری خطرناک برای اقتصاد ملی

در شرایطی که کسری تراز ارزی کشور به مرز ۲۵ میلیارد دلار رسیده، مطرح کردن واردات گسترده خودرو، بیشتر به یک شوخی تلخ شبیه است تا یک برنامه اقتصادی.

برآوردهای رسمی نشان می‌دهد:

-واردات هر ۱۰ هزار دستگاه خودرو، به بیش از ۴۰۰ میلیون دلار ارز نیاز دارد؛

-تامین خدمات پس از فروش این خودروها، به سرمایه‌گذاری حداقل ۲۵۰ میلیون یورویی نیازمند است؛

-و تازه، بیشتر خودروهای وارداتی فاقد قطعات یدکی آماده در بازار ایران خواهند بود.

نتیجه؟ خودروهای وارداتی پس از چند ماه، به آهن‌پاره‌هایی بی‌خدمت تبدیل می‌شوند؛ هم مردم زیان می‌بینند و هم منابع ارزی کشور دود می‌شود.

رانت‌های تازه در واردات، چه کسانی برنده‌اند؟

وقتی واردات بی‌برنامه آغاز شود، تنها گروهی خاص از دلالان و شرکت‌های واسطه‌ای منتفع خواهند شد.

تجربه سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ نشان داد که در اوج آزادسازی واردات قیمت خودروهای وارداتی در بازار ۲۵ برابر نرخ واقعی فروخته می‌شد، سهم خدمات پس از فروش به کمتر از ۱۵ درصد رسید و نارضایتی عمومی نسبت به کیفیت خدمات به بیشترین حد خود رسید.

بازار واردات بی‌ضابطه، فقط به جیب عده‌ای خاص سکه می‌اندازد و بهای آن را مردم با گرانی، بی‌ثباتی بازار و کاهش تولید داخلی می‌پردازند.

خودروسازی داخلی؛ نیازمند اصلاح نه اعدام

بی‌گمان، صنعت خودروی ایران مشکلات فراوانی دارد؛ از ضعف طراحی گرفته تا کیفیت پایین برخی محصولات؛ اما راهکار اصلاح، ویران کردن کل ساختار نیست.

صنعت خودروی ایران با زنجیره‌ای از ۱۲۰۰ قطعه‌ساز و بیش از ۲۳۰ هزار نیروی کار مستقیم و غیرمستقیم، یکی از بزرگ‌ترین ارکان اشتغال صنعتی کشور است.

بر اساس مطالعات وزارت صنعت: هر افت ۱۰ درصدی تولید خودرو، معادل از دست رفتن ۲۰ هزار شغل خواهد بود.

سیاست درست این است که با اصلاح ساختار مدیریتی، نوسازی فناوری، ارتقاء کیفیت و تنوع محصول، خودروسازی را به رقیبی واقعی برای وارداتی‌ها تبدیل کنیم، نه اینکه به بهانه حمایت از مصرف‌کننده، تیشه به ریشه‌ی صنعت بزنیم.

پشت نقاب «دلسوزی برای مردم»، پروژه تخریب ملی

سیاستمدارانی که امروز بدون هیچ برنامه مشخص، نسخه واردات انبوه را می‌پیچند، اگر فردا با بحران اشتغال، انفجار قیمت ارز و نابودی صنعت داخلی روبرو شویم، هیچ مسئولیتی نخواهند پذیرفت.

پشت نقاب دلسوزی برای مردم، پروژه‌ی فروپاشی تولید ملی و گشایش رانت‌های ارزی تازه در جریان است.

آینده‌ای که در آن، مردم تنها خریداران نامیدی خواهند بود و اقتصاد ملی، قربانی تازه‌ی بی‌برنامگی و سوداگری.